

تأثیر ارزش‌های اخلاقی اسلام بر تخصیص اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۶/۲۰

غلام علی معصومی نیا*

سید محمد هادی سبحانیان**

چکیده

یکی از ساحت‌هایی که رفتار مبتنی بر اخلاقیات در آن به خوبی نمایان می‌شود، عرصه روابط اقتصادی است. آموزه‌های اخلاقی اسلام می‌تواند زمینه‌ساز نظام اقتصادی ویژه‌ای باشد چرا که قسمت عمده این آموزه‌های اخلاقی منحصر به فرد بوده و چه بسا با ارزش‌های موجود در نظام‌های اقتصادی دیگر تفاوت‌های اساسی داشته باشد. به منظور تبیین این موضوع، در مطالعه پیش‌رو اثرهای نهادینه‌شدن ارزش‌های اخلاقی بر تخصیص‌های اقتصادی - مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید مورد بررسی قرار گرفته است. ارزش‌های اخلاقی - اسلامی می‌توانند به مثابه دست‌نمائی در اقتصاد عمل کنند. اگر این ارزش‌ها در جامعه نهادینه شده و تمام یا بیشتر واحدهای اقتصادی مانند مصرف‌کننده، پس‌اندازکننده، سرمایه‌گذار و تولیدکننده براساس آن رفتار کنند، آثار بسیار بزرگی در سطح خرد و کلان در اقتصاد بر جا خواهد گذاشت. در این صورت عرصه اقتصادی در ضمن تأمین نیازهای مادی جامعه تجلی‌گاه توجه به ارزش‌های والای انسانی نیز خواهد بود. مزیت عامل اخلاق نسبت به دخالت دولت روشن است:

۱. برخلاف دخالت دولت هزینه‌ای برای جامعه ندارد.

۲. باعث تجلی و تعالی انسانیت انسان می‌شود.

۳. از آنجا که درون افراد نهادینه شده، دوام و استمرار دارد.

واژگان کلیدی: رفتارهای اقتصادی، ارزش‌های اخلاقی - اسلامی، مصرف، تولید، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز.

طبقه‌بندی JEL: D1, E2, P49, Z12, A13

مقدمه

با مراجعه به تاریخ اندیشه اقتصادی، شواهد متعددی یافت می‌شود که نشانگر آن است که دانش اقتصاد در ساحت فلسفه اخلاق، رشد پیدا کرد و علمی اخلاقی در نظر گرفته می‌شد. با پیدایش سوداگران و فیزیوکرات‌ها اگرچه هم‌چنان به اقتصاد به‌عنوان شعبه‌ای از اخلاق نگریسته می‌شد اما به تدریج زمینه جدایی اخلاق از اقتصاد پدید آمد. پس از *مارشال* و با غالب شدن اندیشه اثبات‌گرایی و اهمیت یافتن کاربرد ریاضیات در اقتصاد، فاصله میان اخلاق و اقتصاد به تدریج گسترده‌تر شد؛ به طوری که برخی اندیشه‌وران اقتصادی، دانش اقتصادی را به‌عنوان دانشی که از فقر بنیادی رنج می‌برد، وصف کردند. در همین رابطه *آمارتیا سن* بیان داشته است که تأمل اندیشه‌وران اقتصاد می‌تواند دانش اقتصاد را از انحراف نجات داده و آن را در عین حال که علمی ریاضی است با اخلاق ترکیب کند.

چگونگی نگرش به اخلاق و ارزش‌ها ریشه در نوع جهان‌بینی انسان دارد و توجه به آنها نوع رفتار انسان را به کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طور مثال *ماکس وبر* حاکمیت اخلاق پروتستانی را سرچشمه پیدایش نظام سرمایه‌داری دانسته و بیان می‌کند: «این امر که سرمایه‌داری بهترین نیروی محرکه خود را از روح سرمایه‌داری گرفته است با واقعیت تاریخی قابل تأیید است» (وبر، ۱۳۷۱، ص ۶۱). در ادیان آسمانی گوناگون به‌ویژه دین مبین اسلام، به رعایت اصول اخلاقی توصیه‌های فراوانی شده است. اهمیت موضوع اخلاق به حدی است که پیامبر اکرم ﷺ هدف بعثت و رسالت خود را کامل کردن مکارم اخلاق برشمرده‌اند.

درباره اخلاق و ارزش‌های اخلاقی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. در دسته‌بندی کلی می‌توان اخلاق را از دو دید لغوی و اصطلاحی تعریف کرد. واژه اخلاق در لغت جمع خُلُق بوده، به دسته‌ای از صفات‌های انسانی اطلاق می‌شود که در نفس انسان راسخ و پایدار شده و شخصی که چنین صفتی داشته باشد کارهای مطابق و متناسب با این صفت را بدون تأمل و تفکر انجام می‌دهد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۵). از این‌رو واژه اخلاق را گاهی به معنای صفت‌های نفسانی رسوخ‌یافته - اعم از فضیلت یا رذیلت - که باعث رجحان عمل و سبب انجام عمل بدون اندیشه و تأمل می‌شود، به‌کار می‌برند (امید،

۱۳۷۷، ص ۹۷)؛ اما در هر علمی عالمان آن علم می‌توانند افزون بر معنای لغوی یک لفظ، معنا یا معنای اصطلاحی جدیدی نیز برای آن وضع کرده، برحسب نیاز خود در آن علم به‌کار برند. در همین جهت عالمان علم اخلاق نیز معنای اصطلاحی جدیدی برای لفظ اخلاق وضع کرده‌اند که در ادامه به اجمال به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. صفت‌های نفسانی پایدار: این معنای اصطلاحی مترادف با معنای لغوی است.
 ۲. در اصطلاح دوم واژه اخلاق به هر صفتی پایدار و غیرپایدار که سرچشمه انجام کارهای پسندیده و نیکو یا کارهای بد و ناپسند در انسان می‌شود، اطلاق می‌شود چنان‌که به آن کار نیز کار اخلاقی گفته می‌شود. به بیان دیگر واژه اخلاق در معنای اصطلاحی گاهی درباره افعال ناشی از صفت‌های غیرراسخ (اعم از فضیلت و رذیلت) به‌کار می‌رود.
 ۳. گاهی نیز اصطلاح اخلاق فقط درباره اخلاق فاضله به‌کار می‌رود؛ به‌طور مثال می‌گویند: «فلان کار اخلاقی است؛ یعنی خوب و شایسته است و غیراخلاقی؛ یعنی ناشایست و بد (همان، ص ۹۷).
- با توجه به تعریف‌های بیان‌شده به‌وسیله بزرگانی مانند شهید مطهری رحمته‌الله (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۴۷) موضوع و قلمرو اخلاق به ملکات نفسانی منحصر نبوده، بلکه رفتارهای انسان در حوزه‌های گوناگون را نیز در بر می‌گیرد؛ همچنین شامل تمام صفت‌های اکتسابی و افعال اختیاری وی نیز می‌شود؛ بر این اساس اخلاق، فقه و ادب - به معنای ظرافت انجام کارهای ارادی- را نیز در برمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت که موضوع اخلاق، موضوع وسیعی است که شامل ملکات و حالت‌های نفسانی و افعالی می‌شود که رنگ ارزشی داشته باشند (امید، ۱۳۷۷، ص ۹۸). مبتنی بر همین تعریف و با استناد به سنت رایج که وقتی از خلیقات در سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امامان معصوم علیهم‌السلام صحبت می‌شود، به‌طور عموم بر افعال اخلاقی آن بزرگواران یا به بیان دیگر ظهور و بروز صفت‌های قلبی آن حضرات ناظر است. در مقاله پیش‌رو تعریف اصطلاحی دوم مورد نظر قرار گرفته است.

یکی از ساحت‌هایی که اثرهای رفتار مبتنی بر اخلاقیات در آن به خوبی نمایان می‌شود، عرصه روابط و رفتارهای اقتصادی است؛ از این‌رو اخلاق اقتصادی به آن‌دسته از ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که آثار اقتصادی به همراه داشته باشند. در مقاله پیش‌رو به‌دنبال تبیین آموزه‌های اخلاقی در حوزه رفتارهای تخصیصی در اقتصاد و آثار و پیامدهای آن هستیم. فرضیه تحقیق این است که با توجه به اینکه اسلام دین کامل و برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها بوده و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای اتمام مکارم اخلاق مبعوث شده است، در

کتاب و سنت، آموزه‌های اخلاقی بسیاری جهت هدایت افعال اقتصادی انسان‌ها مطرح شده است که عمل کارگزاران اقتصادی به این آموزه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز نظام اقتصادی ویژه‌ای باشد. چرا که قسمت عمده این آموزه‌های اخلاقی منحصر به فرد بوده و چه بسا با ارزشی‌های نظام‌های اقتصادی دیگر تفاوت‌های اساسی داشته باشد. در صورت تأیید این فرضیه بر تمام اندیشه‌وران اقتصادی که دغدغه مسائل اخلاقی دارند، فرض است که با شناخت صحیح نظام اخلاقی اسلام، به فرهنگ‌سازی و ترویج آن به منظور فراهم‌آمدن زمینه‌های اجرایی شدن آن همت گمارند.

ساختار مقاله به این صورت است که پس از مقدمه، اثرهای ارزش‌های اخلاقی بر رفتار مصرفی بررسی شده سپس تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر رفتارهای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در پایان جمع‌بندی از بحث‌ها آورده می‌شود.

اثر ارزش‌های اخلاقی بر رفتار مصرفی

مصرف یکی از مهم‌ترین اجزای تقاضای کل شمرده می‌شود. اقتصاددانان در دهه‌های اخیر به این نکته پی برده‌اند که مصرف و رفتار مصرفی مردم بر دیگر متغیرهای اقتصادی مانند تولید، توزیع، اشتغال، پس‌انداز و تورم اثرگذار است؛ بنابراین برای تغییر این متغیرها باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود به عنصر مصرف به‌عنوان عامل تعیین‌کننده توجه داشته باشند. براساس اصل «حاکمیت مصرف‌کننده» نقش تعیین‌کننده در اقتصاد از آن مصرف‌کننده است و اراده مصرف‌کنندگان چگونگی تولید، توزیع و دیگر متغیرهای عمده اقتصاد را جهت داده و تعیین می‌کند.

با توجه به اهمیت بحث مصرف در اقتصاد، لازم است عوامل مؤثر بر رفتارهای مصرفی و الگوی مصرف، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. عوامل متعددی بر رفتار مصرفی مردم اثرگذار است؛ یکی از این عوامل، سطح درآمد آنان است. میزان ثروت، عامل دیگر است. عامل بسیار مهم دیگر، باورها و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ حاکم در هر جامعه است. مورد اخیر نه تنها واجد آثار مستقل بر مصرف است بلکه بر میل نهایی به مصرف (MPC) نیز اثر عمده دارد. برای تغییر پایدار رفتارهای مصرفی جامعه باید این عوامل تغییر کنند که این امر نیازمند اقدام‌های بلندمدت است. یکی از اشتباه‌های بزرگ برخی سیاست‌گزاران این است که می‌پندارند با برنامه‌ریزی‌های صرف اقتصادی مانند تحت تأثیر قرار دادن قیمت

کالاها می‌توانند رفتارهای مصرفی جامعه را تغییر دهند؛ در حالی که تا باورها و ارزش‌های اخلاقی و عوامل فرهنگی اصلاح نشود، اصلاح پایدار رفتارهای مصرفی و الگوی مصرف ممکن نخواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت در بین عوامل یادشده، باورها و ارزش‌های اخلاقی اگر اهمیت بیشتری نداشته باشند، قطعاً اهمیت کمتری دارند. تغییر ارزش‌های اخلاقی می‌تواند سبب تغییر فرهنگ عمومی شود؛ بنابراین اگر ارزش‌های اخلاقی اسلام در جامعه نهادینه شود، فرهنگ عمومی آحاد ملت حتی غیرمسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند نیز متناسب با آن شکل خواهد گرفت.

حال پیش از پرداختن به نقش آموزه‌های اخلاقی اسلام بر رفتار مصرفی، به مبنای اخلاقی حاکم بر رفتار مصرفی افراد در اقتصاد مرسوم که سرچشمه‌گرفته از نگاه سرمایه‌داری است و نیز برخی از آثار حاکمیت این ارزش اخلاقی اشاره می‌کنیم.

۱. مبنای اخلاقی حاکم بر رفتار مصرفی در اقتصاد متعارف و آثار آن

در اقتصاد متعارف فرض بنیادین هر نظریه اقتصادی، از جمله نظریه رفتار مصرف‌کننده، مفهومی تحت عنوان «انسان اقتصادی عقلایی» است. براساس این فرض انسانی رفتار عقلایی دارد که به دنبال تعقیب منفعت شخصی خود است.

اقتصاددانان کلاسیک و در رأس آنها /سمیت انگیزه خودخواهی و نفع شخصی را قاعده عام و جهان‌شمولی قلمداد می‌کردند که بر تمام رفتارهای اقتصادی انسان سایه افکنده است. /سمیت با تأکید بر انگیزه پی‌گیری نفع شخصی حتی کوشش برای نجات یک فرد در حال غرق‌شدن را در این جهت توجیه کرده و می‌گوید کسی که برای نجات دیگری از غرق‌شدن، خود را در همان خطر می‌اندازد نه به‌علت آن است که در ذهن وی دفاع از جان دیگران، اصل اخلاقی مطلق است بلکه به‌طور مثال به این علت است که می‌ترسد در غیر این صورت به بزدلی و عدم هم‌دردی با هم‌نوع متهم شود. شاید هم می‌پندارد که از این راه سود مستقیمی عاید وی می‌شود یا آنکه فردی که در معرض خطر غرق‌شدن است در فرصت دیگری خدمتی مشابه برای وی انجام می‌دهد. جرمی بنتام که نظریه‌های اخلاقی وی مبنای اخلاقی مکتب لیبرالیسم - سرمایه‌داری را شکل داده، باور دارد: «ما فقط یک وظیفه داریم و آن جست‌وجوی بالاترین لذت ممکن است و مسئله رفتار انسان، فقط مسئله تعیین این است که چه چیزهایی بیشترین لذت را به آن می‌بخشد» (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸).

گرچه مبانی اخلاقی دیگری نیز به‌وسیله اندیشه‌وران گوناگون مطرح شد که گاهی طرفدارانی را نیز با خود همراه کرد اما اندیشه سودگرایی حاکمیت پیدا کرد و تمام شئون زندگی بخش عمده‌ای از مردم دنیا را تا به امروز تحت تأثیر قرار داده است. هم‌اکنون بسیاری از فرضیه‌های اساسی اقتصاد متعارف مانند حداکثرسازی مطلوبیت در نظریه رفتار مصرف‌کننده و حداکثرسازی سود در نظریه رفتار تولیدکننده مبتنی بر همین اساس است. در جامعه‌ای که اصالت سود شخصی حاکم است کسانی که به‌علت ناتوانی یا هر علت دیگر توانایی کسب درآمد ندارند، حق حیات ندارند و باید حذف شوند. در این صورت فقط کسانی توان تقاضا دارند که توانسته‌اند با تعقیب منفعت شخصی توان مالی لازم را برای خود فراهم آورند. در چنین فضایی و وقتی که ارزش‌های اخلاقی از اقتصاد حذف شد، گروه برخوردار، خود را در دستیابی به هر چه تمایل دارد به‌طور کامل آزاد می‌بینند و کاری به پیامدهای گوناگون آن ندارند. این امر پیامدهای متعددی دارد از جمله اینکه:

۱. سبب تخصیص منابع کم‌یاب به تولید کالاهای غیرضروری و گاهی کالاهای مضر می‌شود.
۲. با اصالت پیدا کردن پی‌جویی منافع شخصی، هر کجا فعالیت‌ها عوارض منفی برای دیگران داشت، عاملی کنترل‌کننده وجود نخواهد داشت که این سبب پیدایش قطب‌های بزرگ ثروت و قدرت و در پی آن تعمیق روزافزون شکاف طبقاتی می‌شود. امری که در نظام سرمایه‌داری اتفاق افتاد. بروز آلودگی‌های شدید زیست‌محیطی را می‌توان نمونه‌ای از آثار پی‌جویی نفع شخصی دانست که امروزه در زمره عمده‌ترین دغدغه‌های بشری قرار گرفته است.
۳. هنگامی که تعقیب سود شخصی اصالت پیدا کند و از جانب نظریه‌پردازان یک مکتب، مقدس شمرده شود به اندیشه دیگران‌بودن معنایی نخواهد داشت. در این صورت جمع‌آوری امکانات «هنر» شمرده می‌شود که ناتوانان فاقد آن هستند. چنین اندیشه‌ای کمک به بینوایان را سبب اخلال در روند بازار به‌عنوان یگانه سازوکار هماهنگ‌کننده فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه آسیب‌زننده به رشد می‌داند.

منطق اسلام در این‌باره با اقتصاد متعارف مابینت دارد؛ به‌طور مثال، اسلام تعقیب سود شخصی را مشروع می‌داند اما به آن اصالت نمی‌دهد؛ صفت‌هایی مانند حرص و چشم‌وهم‌چشمی در مصرف به‌شدت نکوهش شده است و در برابر به انفاق و کمک به نیازمندان از مسلمات کتاب و سنت توصیه شده است.

۲. تأثیر ارزش‌های اخلاقی اسلام بر رفتارهای مصرفی در سطح خرد

الف) نقش ارزش‌های اخلاقی اسلام بر رفتار مصرفی افراد

در این قسمت به بیان ارزش‌های اخلاقی اسلام درباره مصرف و پیامدهای آن در شکل‌دهی رفتارهای مصرفی مردم در جامعه اسلامی پرداخته می‌شود. از یک دید این ارزش‌های اخلاقی دو دسته‌اند: الف) ارزش‌ها به‌طور مستقیم به حوزه اقتصاد ارتباط دارند؛ ب) گرچه اقتصادی نیستند اما آثار اقتصادی نیز دارند.

۱. انجام واجبات و ترک محرمات

انسان فطرتاً گرایش به سمت کمال دارد و هر چه در راه کمال پیش می‌رود، خواهان به‌دست آوردن درجه‌های بالاتری از آن است. براساس آموزه‌های دینی، کمال مطلق، وجود خداوند متعال ﷻ است؛ بنابراین کمال انسان و مطلوب نهایی وی در هر چه نزدیک‌تر شدن به سرچشمه هستی است. آیه‌های قرآن و روایت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام شاهد این مطلب است. خداوند متعال ﷻ در قرآن کریم بالاترین درجه‌های کمال بنده را لقای پروردگار و بازگشت به سوی حق می‌داند (فجر: ۲۷-۳۰). امام سجاد علیه‌السلام در مناجات خود با خداوند متعال ﷻ این‌گونه دعا می‌کند: «خدایا مرا از کسانی قرار ده که برای قرب خود برگزیده‌ای» (مناجات‌المحبین).

با توجه به اینکه کمال نهایی انسان، وصول به مقام قرب الهی است، هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن به این مرتبه یاری کند و سبب ارتقای انسان در مراتب قرب پروردگار باشد یا زمینه را برای سیر الی‌الله فراهم کند، فضیلت اخلاقی شمرده می‌شود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). از ابن‌رو است که تمام عبادت‌ها اعم از واجب و مستحب در زمره فضیلت‌های اخلاقی شمرده می‌شوند. مرحوم نراقی علیه‌السلام بسیاری از واجبات و مستحبات مانند خمس، زکات، صدقات و امر به معروف را در زمره فضیلت‌های اخلاقی گنجانده است (نراقی، ۱۳۸۳). وی در تفسیر فضیلت‌های اخلاقی این‌گونه مرقوم می‌دارد: «فضائل الاخلاق من المنجیات الموصلة الى السعادة الابدیه»؛ یعنی هر آنچه که در وصول انسان به سعادت ابدی که کمال نهایی آن قرب الی‌الله است مؤثر باشد، جزو فضائل اخلاقی می‌توان شمرد (همان). در این جهت در ادامه به برخی دستوره‌های الهی که آثار مستقیم در رفتار مصرفی افراد بر جا می‌گذارد، اشاره شده است.

۱. منع شدن از مصارف حرام: مصرف برخی کالاها و خدمات مانند مشروبات الکلی، گوشت خوک، مواد مخدر، گوشت حیواناتی مانند گربه و خرگوش برای خوردن تحریم شده است. مصرف برخی از این کالاها مانند مواد مخدر از نظر انسان‌های معمولی نیز غیرعقلانه و نادرست است اما درباره مواردی مانند گوشت خوک و مشروبات الکلی چنین نیست. فرد مسلمان با استناد به گفته وحی و علم به حکمت‌آمیز بودن فرمان‌های الهی هرگز به مصرف این‌گونه کالاها دست نمی‌زند هرچند به ظاهر در بردارنده لذت باشد.

۲. تقید به حلال بودن درآمد: یکی از آثار تقید به حلال بودن درآمد آن است که مصرف انسان با تکیه بر کار و کوشش واقعی شکل می‌گیرد. درآمدهای غیرمشروع مانند رشوه، قمار، کم‌فروشی، گران‌فروشی و ... این ارتباط را قطع یا تضعیف می‌کند. فرد بدون اینکه کاری انجام داده و استحقاق داشته باشد، مالک ماحصل زحمتهای دیگران می‌شود و به مصرف کالاها و خدماتی مبادرت می‌کند که خود نقشی در تولید آنها نداشته است. کسی که صاحب چنین درآمدهایی می‌شود در مصرف خود اهل محاسبه و تعقل نیست و بی‌رویه و به‌طور معمول مسرفانه مصرف می‌کند. در متون دینی بسیار آمده که کسب درآمد حلال بسیار سخت است؛ به‌طور مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: «جنگیدن با شمشیرها از طلب حلال آسان‌تر است» (حرّ عاملی، [بی تا]، ج ۱۷، ص ۴۲۲).

۲. اعتدال

مرحوم ملامهدی نراقی رحمته الله و ملااحمد نراقی رحمته الله از بزرگان اخلاق و عرفان اسلامی و صاحب کتاب‌های گران‌سنگ جامع السعادات و معراج السعاده که از معتبرترین و دقیق‌ترین کتاب‌های اخلاقی شمرده می‌شوند، فضیلت اخلاقی را رعایت حد وسط یا نقطه اعتدال در نظر گرفته و هر گونه انحراف از آن، چه به افراط و چه به تفریط را رذیلت می‌دانند. بر این مبنا برخی دستوره‌های دینی درباره مصرف را می‌توان آموزه‌های اخلاقی اسلام درباره مصرف دانسته که در ادامه به آن پرداخته شده است:

۱. میانه‌روی (اعتدال) در مصرف: اقتصاد به معنای میانه‌روی یکی از ارزش‌های اخلاقی اسلام در حوزه اقتصاد است. اثر اقتصاد بر رفتار مصرفی در بیان امام صادق علیه السلام به روشنی بیان شده است. وی می‌فرماید:

مال، مال خداوند متعال تعالی است که در نزد خلقش امانت گذارده است و آنها را امر کرده که با رعایت اقتصاد از آن بخورند، بیاشامند، بپوشند و ازدواج کنند و مرکب تهیه کنند و بقیه را به

فقیران از مؤمنان برگردانند. کسی که از این حد تجاوز کند آنچه می‌خورد، می‌نوشد، می‌پوشد و ازدواج می‌کند و مرکبی که سوار می‌شود حرام است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۵۲).

انسان اقتصادی اسلام اگر هزینه‌هایش بر درآمدش فزونی گرفت، قناعت پیشه می‌کند و هنگامی که درآمدش بر هزینه‌هایش پیشی گرفت در زندگی خود توسعه پدید می‌آورد و بر خانواده خود سخت نمی‌گیرد. از زینت‌ها، خوردنی‌ها و پوشیدنی‌های خوب استفاده می‌کند اما هرگز جانب اعتدال را رها نمی‌کند.

۲. دوری از اتراف و نکوهش شدید آن: قرآن کریم از برخی اقوام گذشته یاد فرموده که زندگی مترفانه برای خود ترتیب داده بودند. زندگی مترفانه؛ یعنی زیاده‌روی در مصرف به منظور خوش‌گذرانی. پیامد طبیعی این امر فراموشی خداوند متعال ﷻ و آخرت، جاودان‌پنداری زندگی دنیوی (شعراء: ۱۲۹ / زخرف: ۲۳)، پدیدآوردن روحیه استکباری و در نتیجه خروج از دایره بندگی خداوند متعال ﷻ و کفر (سبا: ۳۴)، حاکمیت امیال و هوس‌ها، کفران نعمت و فساد (اسراء: ۱۶) است. اگر در جامعه‌ای روحیه اتراف حاکم شود یا زمام آن جامعه به دست مترفان بیفتد، علامت نابودی آن اجتماع خواهد بود (قصص: ۵۸ / اسراء: ۱۶). یکی از عنوان‌های دیگری که قرآن کریم نسبت به آن هشدار داده عنوان «بطر» است، بطر؛ یعنی طغیان در اثر فراوانی نعمت (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۹). توجه به این هشدارها آثار فراوانی بر تصحیح رفتار مصرفی دارد. این هشدارها جلوی خوش‌گذرانی‌هایی را که انسان‌ها را مسخ کرده و از معنویات دور می‌کند، می‌گیرد و مصرف را در راه رفع نیازهای واقعی قرار می‌دهد.

۳. تدبیر در زندگی (مدیریت درست درآمد- مصرف): امر مهم دیگری که به آن توصیه شده، رعایت تناسب بین هزینه‌های مصرفی و درآمد است. امام علی علیه السلام فرمود: «قوم زندگی به تقدیر نیکو و ملاک آن به تدبیر نیکوست» (حکیمی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۴۸۶). شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «شنیده‌ام میانه‌روی و تدبیر در معیشت نیمی از کسب است. امام علیه السلام فرمود: نه بلکه تمامی کسب است و تدبیر در معیشت قسمتی از دین است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۴۹). بسیاری اوقات زیادکردن درآمد خارج از توان انسان است، مهم این است که بتوان با درآمد موجود مخارج مصرفی را مدیریت کرده و در عین حال قسمتی را در راه خداوند متعال ﷻ انفاق و ایثار کرد.

۳. قناعت در مصرف

قناعت در لغت به معنای بسنده کردن به مقدار ناچیزی از وسایل زندگی است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹). در بحث‌های اخلاقی قناعت در برابر صفت حرص قرار می‌گیرد. قناعت به صفتی اطلاق می‌شود که باعث می‌شود انسان به قدر حاجت و ضرورت بسنده کند و برای کسب مال فراوان زحمت نکشد. قناعت یکی از صفتهای نیکوست که بسیاری از فضیلت‌ها به آن مربوط بوده، بلکه راحت دنیا و آخرت به آن ارتباط دارد (نراقی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱). این فضیلت اخلاقی باعث می‌شود انسان از مصرف آنچه دارد، لذت ببرد. یکی از پیامدهای حاکمیت اصالت نفع شخصی و سودگرایی این است که بسیاری از مردم به‌رغم برخورداری از امکانات کافی در جهت رفع نیازهای ضروری خود، به واسطه حسرت خوردن درباره آنچه ندارند از نعمت‌هایی که دارند لذت نمی‌برند. این امر پیامدهای مخرب فرهنگی و تربیتی بر انسان‌ها دارد. آنها ناخودآگاه وادار می‌شوند شبانه‌روز بدون تا از هر راه ممکن سطح زندگی خود را به سطح زندگی طبقه‌های بالاتر از خود برسانند. نتیجه این امر احساس ناامنی و اضطراب دائمی خواهد بود؛ بنابراین ترویج اندیشه سودگرایی آرامش و برخورداری از لذت را سلب خواهد کرد. در برابر ترویج رضایت در برابر مقدرات الهی و قناعت در مصرف بیشترین آرامش را در انسان پدید می‌آورد (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۴، ص ۶۳۴). انسان اقتصادی اسلام به اندازه توان خود کار می‌کند اما بعد از آن به آنچه نصیبش می‌شود قانع است و آن را رزق مقدر الهی می‌داند؛ در نتیجه از آن لذت می‌برد؛ از این‌رو است که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام قناعت را گنج بی‌نظیر و باعث زیبایی زندگی دانسته و فرمود: «هر کس عاقل شد قناعت پیشه می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۱۵۰). می‌توان گفت: «هدف اصلی از بیان رضا و قناعت، پایان دادن به حرص و آز و طمع و هواپرستی است که عامل تجاوزها، استثمارها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها و گاه عامل ذلت و اسارت است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۹۳). زندگی پاکیزه همراه با آرامش است و این بدون قناعت حاصل نمی‌شود. ثمره سودطلبی و حرص برای بیشتر مردم چیزی جز اضطراب و دلهره و ناآرامی روانی نیست.

۴. شکرگزاری

شکر در لغت «تصور نعمت و آشکارکردن آن است» و در اصطلاح علم اخلاق آمده است، شکر عبارت است از: «شناختن نعمت از منعم و شادشدن به آن و صرف کردن آن در راهی که منعم به آن راضی باشد» (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۳۳).

شکرگزاری که یکی از برترین فضیلت‌های اخلاقی است، از سه عنصر علم، حال و عمل تشکیل می‌شود. علم عبارت از آن است که بدانی نعمت، استقلال ندارد و وابسته به نعمت‌دهنده است. عنصر حال یعنی وقتی که انسان به منعم حقیقی معرفت پیدا کرد و دانست که نعمت وابسته به وی است، ثمره‌اش این است که از این نعمت، در دل شادی و سروری همراه با خضوع و تواضع پدید می‌آید و به این جهت نعمت را هدیه‌ای از سوی خداوند متعال ﷻ و توجهی از جانب وی به خود می‌داند. اما سومین عنصر، عمل است و آن اقدام به چیزی می‌باشد که مقصود و محبوب منعم است. در ادامه به برخی از آموزه‌های اسلامی که ریشه در صفت اخلاقی شکرگزاری داشته و پیامدهایی را بر رفتار مصرفی برجا می‌گذارد اشاره می‌شود:

۱. **استحباب اظهار نعمت:** قرآن کریم به ما دستور داده که نعمت‌هایی را که خداوند متعال ﷻ به ما داده اظهار کنیم (ضحی: ۱۱). پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند متعال ﷻ زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت را بر بنده‌اش ببیند؛ همچنین حضرت می‌فرماید: «استفاده از نعمت‌ها و اظهار آن جزء دین است» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶، ص ۴۳۹). از امام صادق ﷺ نقل شده است:

هنگامی خداوند متعال ﷻ نعمتی را به بنده‌اش می‌دهد، اگر در زندگی وی آشکار شود، دوست خداوند متعال ﷻ و بازگوکننده نعمت وی نامیده می‌شود و آن‌گاه که نعمتی را به بنده‌اش می‌دهد و در زندگی وی ظهور پیدا نکند دشمن خداوند متعال ﷻ و تکذیب‌کننده نعمت وی نامیده می‌شود (حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۴۲).

از این‌رو است که فقیهان داشتن مرکب خوب، پوشیدن بهترین لباس متداول، تظاهر به غنا هنگامی که وی را فقیر می‌دانند را نه تنها نهی نمی‌کنند، بلکه مستحب نیز می‌دانند (کاشف‌الغطاء، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۰۴). وقتی انسان نعمتی را در اختیار داشت و بر آن بود که خداوند متعال ﷻ آن را به وی داده و دوست دارد اثر آن را بر بنده‌اش ببیند، کوشش خواهد کرد به بهترین صورت ممکن از آن استفاده کند.

۲. **شکر عملی بر نعمت‌ها:** شکر عملی بر نعمت‌ها باعث می‌شود مصرف‌کنندگان برای کسب رضایت الهی از مصارف حرام بپرهیزند. نتیجه این امر حذف تولید کالاهای حرام از عرصه اقتصاد خواهد بود. آنان نیز می‌کوشند از امکانات مصرفی در اختیار خود بیشترین

بهره‌برداری را کنند. این امر با فرهنگ رایج در دنیای امروز مبنی بر مصرف‌گرایی یا ازدیاد مصرف در تنافی است.

۳. تأکید بر توکل به خداوند متعال ﷻ: توکل بر ذات اقدس الهی که میوه توحید افعالی است؛ در نتیجه معرفت به منعم حقیقی و اینکه نعمت وابسته به وی است، حاصل می‌شود و در انسان آرامش روانی پدید می‌آورد. اثر این امر در مصرف‌جویی از ملتهب‌شدن فضای مصرف می‌شود. باور به رزق مقدر نیز چنین اثری دارد. کسی که بر آن است که روزی مقدر شده و کوشش و کار را به‌عنوان وظیفه‌ای برای رسیدن به رزق از پیش تعیین شده می‌داند، آرامش روانی داشته و برای کسب درآمد بالاتر دچار اضطراب‌ها و کارهای ناصواب نمی‌شود.

۴. توجه به کرامت انسان نزد خداوند متعال ﷻ: خداوند متعال ﷻ به صراحت فرموده که ما به انسان کرامت دادیم (اسراء: ۷۰). این کرامت در تمام انسان‌ها به‌صورت بالقوه قرار داده شده اما اگر انسان به مقام عبودیت پروردگار دست یابد به فعلیت می‌رسد. توجه به این شأن عظیم انسانی آثار فراوانی در حوزه‌های گوناگون و از جمله اقتصاد دارد. انسان کریم، شأن انسانی خود را بالاتر از آن می‌داند که مرتکب رباخواری، کم‌فروشی، تدلیس و این‌گونه مفساد شود؛ همچنین وی مصرف‌بی‌رویه و مطابق امیال را دون مقام کرامت خود می‌داند.

۵. عدل، انصاف و احسان

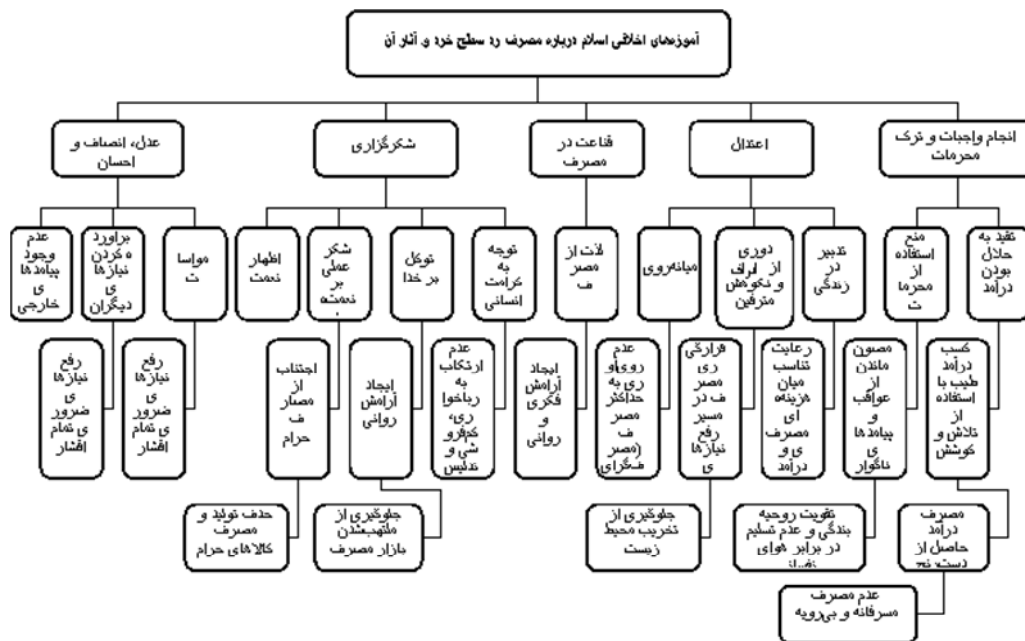
۱. عدل، انصاف و احسان از آموزه‌های اخلاقی عام می‌باشند. یکی از آثار عدل و انصاف در حوزه مصرف این است که فرد مواظب است مصارفش عوارض منفی به حال دیگر افراد و جامعه و برای محیط زیست نداشته باشد. اثر دیگر عدل و انصاف در حوزه مصرف این است که فرد متمکن همان‌گونه که امکانات خود را برای رفع نیازهای مصرفی خود به‌کار می‌گیرد در صدد برآورده‌کردن نیازهای دیگران نیز است؛ چه اینکه اگر خودش به جای آنان بود انتظار مشابهی می‌داشت. در زمینه کمک به دیگران دستورهای صریح بسیاری از جانب معصومان علیهم‌السلام وارد شده است اما معیار عدل و انصاف به داوری‌طلبیدن وجدان انسان‌هاست. در این صورت نیازی به کنترل بیرونی وجود نخواهد بود. هر کس از انسانیت بهره‌ای برده باشد، در برابر این معیار تسلیم است. عدل و انصاف از دستورهای

اخلاقی بین‌المللی اسلام است. اسلام حتی درباره غیرمسلمانان به شرط اینکه سرچنگ با مسلمانان نداشته باشند توصیه به انصاف کرده است. اثر این آموزه مانند بسیاری از آموزه‌های دیگر رفع نیازهای ضروری تمام اقشار جامعه اسلامی خواهد بود. احسان از این هم بالاتر است. فرد در عین نیاز به مصرف یک یا چند کالا دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. این امر در اوایل هجرت در مدینه اتفاق افتاد و آیه نهم از سوره حشر درباره آن نازل شد:

و کسانی که پیش از مهاجران (در مدینه) جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به آنان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، آنان هستند که رستگاران می‌باشند.

نتیجه حاکمیت ارزش‌های پیش‌گفته این است که تمام افراد جامعه در درجه نخست توانایی تقاضای کالاها و خدمات ضروری را پیدا می‌کنند و در مرتبه بعد به دنبال کالاها و خدمات دیگر خواهند بود. براساس همین آموزه‌ها فرد مسلمان تا وقتی نیازهای اصلی دیگران برآورده نشده، کالاهای تجملی و لوکس مصرف نخواهد کرد.

۲. مواسات: مواسات؛ یعنی شریک‌کردن دیگران در اموال خود که این امر در وضعیت اضطراری واجب و در دیگر موارد مستحب است. فرد مسلمان به خود اجازه نمی‌دهد در وضعیت سخت نیازهایش برطرف شود، در حالی که دیگران در محرومیت به سر می‌برند. مواسات حکم می‌کند دیگران را در آنچه دارد سهم سازد؛ همان کاری که امام صادق علیه السلام هنگام بروز قحطی انجام دادند. در وضعیت عادی نیز تا حد فراوانی برابری در برخورداری از امکانات مصرفی حاصل می‌شود. روشن است که عمل به این دستور از سخت‌ترین کارهاست و پیش از ظهور فقط به صورت نسبی تحقق می‌یابد. در برخی برهه‌ها مانند ابتدای ظهور اسلام و سال‌های آغازین انقلاب اسلامی مواسات و ایثار حاکمیت پیدا کرد اما با بازگشت مجدد دنیاطلبی که از طبیعت انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد به ضعف گرایید. در نمودار ذیل بحث‌های مطرح‌شده درباره آموزه‌های اخلاقی اسلام در رابطه با مصرف در سطح خرد و آثار آن به‌طور یک‌جا و طبقه‌بندی‌شده آورده شده است.



۳. اثر ارزش‌های اخلاقی بر رفتارهای مصرفی در سطح کلان

الف) جایگاه ارزش‌های اخلاقی در نظریه‌های مصرف کلان در اقتصاد متعارف

در کتاب‌های رایج اقتصاد کلان چند نظریه درباره تحلیل رفتار مصرفی مردم در سطح کلان ارائه شده که عمده‌ترین آنها عبارت است از:

۱. نظریه کینز: وی مصرف را تابع درآمد جاری می‌داند.
۲. نظریه آندومودیلیانی: مطابق این نظریه، مردم مصرف خود را براساس سه دوره جوانی و پیری که مصرف از پس‌انداز بیشتر است و میان‌سالی که پس‌انداز بیشتر از مصرف است، تنظیم می‌کنند.
۳. تئوری دوزنبری: وی با مطرح کردن اثر چرخ دنده‌ای (Ratchet Effect) بیان می‌دارد که فرد در مصرف فقط به درآمد خود توجه ندارد بلکه مصرف وی تحت تأثیر مصرف دیگران نیز قرار می‌گیرد و در برابر کاهش آن هم مقاومت می‌کند (برانسون، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲).
۴. نظریه فریدمن: وی می‌گوید هر فرد درآمدی دائمی برای خود در نظر گرفته، مصرفش را مطابق آن تنظیم می‌کند.

این نظریه‌ها فقط متغیرهای اقتصادی مؤثر بر مصرف را بررسی کرده‌اند و توجهی به باورهای مردم و ارزش‌هایی که به آن پای‌بند می‌باشند، ندارند و اگر هم توجهی به عوامل غیراقتصادی در برخی از آنها وجود داشته باشد (مانند نظریه دوزنبری که عادت‌های مردم و چشم‌وهم‌چشمی را از عوامل تعیین‌کننده می‌داند) تبعی و فرعی است. تأثیر ارزش‌های اخلاقی هیچ‌گونه جایگاهی در این نظریه‌ها ندارد. با مطالعه جوامع گوناگون و مشاهده رفتارهای مصرفی متفاوت و مقایسه آنها در می‌یابیم که افزون بر عوامل اقتصادی و طبیعی، ارزش‌های اخلاقی و عوامل فرهنگی نقشی محوری در شکل‌گیری این رفتارها دارند. میل نهایی به مصرف مردم بسیاری از کشورهایی که قدرت اقتصادی یکسان دارند (در سطح کلان) تفاوت فراوانی با یکدیگر دارد. هیچ‌کدام از نظریه‌های چهارگانه پیش‌گفته نمی‌تواند این اختلاف را توضیح دهد. علت اصلی این تفاوت به اختلاف فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی دو جامعه باز می‌گردد؛ بنابراین لازم است در تحلیل رفتارهای مصرفی تمام متغیرها اعم از اقتصادی و ارزشی را در نظر بگیریم.

ب) نقش ارزش‌های اخلاقی اسلام بر رفتارهای مصرفی در سطح کلان

نظام اقتصادی اسلام هدف‌های فراوان‌های را تعقیب می‌کند. برخی از این هدف‌ها عبارت‌اند از قدرت اقتصادی جامعه اسلامی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، رفاه همگانی و استقلال اقتصادی. اما هدف نهایی تمام نظام‌های اسلام اعم از نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام حقوقی و ... رساندن انسان‌ها به کمال لایق آنها و اعتلای مکارم اخلاقی است. به عبارت دیگر هدف‌های نظام اقتصادی اسلام خود هدف‌های میانی برای رساندن انسان‌ها به کمال واقعی انسانی می‌باشند. مطلب مهم اینکه این رابطه یک‌سویه نیست بلکه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی اثر به‌سزایی در تحقق دیگر هدف‌ها دارند. در اینجا اثر ارزش‌های اخلاقی اسلام در حوزه کلان اقتصاد را بررسی می‌کنیم. چنان‌که ارزش‌های پیش‌گفته در سطح خرد که مربوط به حوزه رفتار هر فرد است در تک‌تک افراد جامعه نهادینه شود، آن‌گاه می‌توان گفت که مصرف در سطح کلان مطابق آنچه نظریه‌های مرسوم اقتصاد کلان بیان کرده‌اند یگانه تابعی از چند مؤلفه اقتصادی مانند درآمد یا درآمد دائمی نخواهد بود بلکه مؤلفه‌های ارزشی مانند ترک محرمات و عمل به واجبات و اعتدال نیز بر سطح و میزان رشد آن اثر خواهد گذاشت. در ضمن تقید افراد به برخی از این آموزه‌ها و رفتارهای اخلاقی مانند صدقه، هبه، قرض‌الحسنه، وقف و ... که از ارزش‌های اخلاقی مانند

احسان و شکرگزاری سرچشمه می‌گیرد یا پرداخت قسمتی از اموال خود تحت عنوان زکات یا خمس که این نیز در زمره ارزش اخلاقی انجام واجبات و شکر عملی نعمت‌های الهی قرار می‌گیرد، آثار عظیم اقتصادی در جامعه بر جای خواهد گذاشت. این امر قسمتی از درآمد افرادی که درآمدشان از حد کفاف بیشتر است را به افرادی که درآمدشان پایین‌تر از سطح به اصطلاح حداقل معیشت است منتقل کرده و موجبات افزایش سطح رفاه عمومی و کاهش شکاف طبقاتی در جامعه را فراهم می‌کند که این نیز خود می‌تواند با کاستن از موارد وقوع جرم و جنایت که به واسطه فقر در جامعه اتفاق می‌افتد از بسیاری از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کند. به بیان دیگر حاکمیت این ارزش‌ها در جامعه باعث می‌شود هنگام بروز وضعیت سخت نیازهای مصرفی تمام آحاد برطرف شود و در وضعیت معمولی اختلاف سطح مصرف بین قشرهای مرفه و محروم بسیار کم شود. نباید گفت که چنین اندیشه‌ای سبب کاهش رشد اقتصاد و توزیع فقر می‌شود؛ زیرا تأمین نیازهای گوناگون غذایی، آموزشی و بهداشتی اقشار ضعیف سرمایه انسانی را تقویت کرده و دست‌مایه لازم برای رشد را فراهم می‌کند. اگر ساختارهای اقتصاد درست شکل گرفته باشد این اقشار پس از تأمین نیازهای ضروری‌شان تعادل روانی خود را باز می‌یابند و امکان فعالیت برای آنان فراهم می‌شود. در مرحله بعد خود آنان و فرزندانشان بیشترین کمک را به رشد می‌کنند. امروزه نظریه‌پردازان باور دارند که بین سرمایه انسانی و رشد و توسعه، رابطه مستقیم وجود دارد. ویژگی دیگر این امر برخورداری این اقشار از موهبت‌های رشد خواهد بود که همان رشد همراه با عدالت است. چگونگی صرف درآمد فرد مسلمان برای تأمین نیازهای مصرفی خود و دیگران و مشارکت در تأمین مالی طرح‌های عام‌المنفعه نیز باعث می‌شود امکانات و منابع کمیاب اقتصاد هدر نرود بلکه صرف تأمین نیازهای واقعی شود.

ج) تحلیل نتیجه‌های حاکمیت ارزش‌های یادشده بر رفتار مصرفی در سطح کلان

می‌توان نتیجه گرفت ارزش‌های یادشده دو اثر دارد:

۱. مصرف طبقه‌های بالای درآمدی کاهش می‌یابد. افرادی که در این طبقه‌ها قرار دارند برای کمک به موارد پیشین به‌طور معمول از مخارج ضروری خود تا حد کفاف نمی‌کاهند بلکه مخارج تجملی خود را که در برخی موارد به حد اسراف می‌رسد کاهش می‌دهند. می‌توان گفت نتیجه رفتار مصرفی فرد مسلمان این است که میل نهایی به مصرف وی تا

رسیدن به حد حداقل معیشت برابر یک است و بعد از آن رفته‌رفته کاهش می‌یابد تا وقتی به حد اسراف می‌رسد به صفر نزدیک می‌شود. نتیجه اینکه مصرف کالاها و خدمات غیرضروری در سطح کلان کاهش می‌یابد.

۲. مصرف طبقه‌های پایین درآمدی افزایش می‌یابد. این افراد از سویی به علت تشویق فراوان کتاب و سنت به فعالیت، تمام توان خود را برای کسب درآمد و رساندن مصرف خود به حد کفاف به کار می‌برند و از سوی دیگر با دستیابی به کمک‌هایی که در نتیجه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی جمع شده است توان تقاضا تا حد کفاف پیدا می‌کنند. عمده این وجوه سرمایه‌گذاری و پس‌انداز نمی‌شود بلکه صرف مخارج مصرفی می‌شود. میل نهایی به مصرف (MPC) در طبقه‌های پایین درآمدی بالاست؛ زیرا تقاضای ضروری اشباع‌نشده آنان فراوان است؛ بنابراین آنان قسمت عمده درآمدی که به آنان منتقل می‌شود را مصرف می‌کنند. با توجه به هم‌سو بودن دو اثر یادشده می‌توان گفت در مجموع با حاکمیت ارزش‌های اخلاقی مرتبط با رفتار مصرفی در جامعه، مصرف کالاهای ضروری و نیمه ضروری جامعه در مجموع افزایش و مصرف کالاهای تجملی کاهش پیدا می‌کند.

اثر ارزش‌های اخلاقی بر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید

سرمایه‌گذاری یکی از اجزای تقاضای کل است که اهمیت آن در فرایند رشد اقتصادی بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که امروزه اقتصاددانان اذعان دارند که سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی رابطه‌ای مستقیم دارند. توانایی هر اقتصاد در آینده مرهون سرمایه‌گذاری امروز است. سرمایه‌گذاری بدون وجود منابع مالی کافی امری ناممکن بوده و بهترین منبع مالی پس‌اندازهای داخلی است؛ زیرا استفاده درازمدت از منابع خارجی بدهی‌های کشور را متراکم می‌کند و بازپرداخت این بدهی‌ها به همراه سود آن سبب آسیب و چه‌بسا فروپاشی اقتصاد خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت در میان منابع در دسترس برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری پس‌انداز داخلی یکی از مناسب‌ترین گزینه‌هاست.

اهمیت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تولید در آیه‌ها و روایت‌ها

خداوند متعال جل جلاله امکانات مورد نیاز انسان را به صورت آماده در اختیار وی قرار نداده است بلکه آنها را به صورت خام در طبیعت آفریده و آبادکردن زمین با استفاده از این موهبت‌ها را بر عهده وی گذارده است (هود: ۶۱). روشن است که آبادانی زمین بدون وجود ابزار

مناسب و سرمایه‌گذاری در آن ناممکن است و سرمایه‌گذاری نیز بدون پس‌انداز امکان‌پذیر نخواهد بود. در همین رابطه /امیر مؤمنان علیه السلام به مالک /اشتر فرمود: «کوشش تو در آبادکردن زمین باید بیشتر از گرفتن خراج باشد» (نهج البلاغه، ن ۵۳). در این فرموده، حضرت به روشنی اهمیت آبادکردن زمین را اشاره فرموده و آن را وظیفه حکومت اسلامی دانسته است. اسلام جامعه‌ای را مطلوب می‌داند که با به‌کارگیری امکانات اقتصادی رفاه همگان تأمین شود. یکی از ویژگی‌های جامعه مهدوی علیه السلام فراوانی انواع نعمت‌ها و امکانات شمرده شده است (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۵۱، ص ۸۳). جامعه اسلامی، جامعه‌ای است پر نشاط و فعال و فعالیت‌های تولیدیش به حدی است که عموم مردم در آسایش به‌سر می‌برند. پس از بیان اهمیت سرمایه‌گذاری و تولید از دید اسلام، به بررسی ارزش‌های اخلاقی - اسلامی مرتبط با رفتارهای تولیدی، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌پردازیم.

نقش ارزش‌های اخلاقی، اسلامی بر تولید، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

پیش از این بیان شد که باور و پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی اسلام نقش به‌سزایی در رفتارهای مصرفی دارد. باید گفت که این امر درباره رفتار تولیدی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری هم صادق است. در این قسمت آثار پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی و اسلامی بر رفتارهای تولیدی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. توجه به اهداف تولید: هدف تولیدکننده در اقتصاد سرمایه‌داری در حداکثرکردن سود منحصر است. دیگر هدف‌های مطرح‌شده مانند استمرار خوش‌نامی در افکار عمومی نیز در جهت حداکثرکردن سود یا برای ارضای شهرت‌طلبی و مانند آن می‌باشند؛ از این‌رو است که در کتاب‌های اقتصاد خرد هنگام بررسی رفتار تولیدکننده فقط همین هدف در نظر گرفته می‌شود. در برابر با دقت در آموزه‌های اخلاقی اسلام مانند شکرگزاری، عمل به واجبات و مستحبات، احسان و انصاف و نیز آثار و پیامدهای منبعث از آن که بیشتر بیان شد می‌یابیم که اگرچه اسلام انجام فعالیت اقتصادی به انگیزه سود را نفی نکرده اما در کنار آن هدف‌های متعدد دیگری را نیز مدنظر قرار داده است که برخی از آنها واجب و برخی دیگر ارزش‌های مطلوب می‌باشند. به بیان دیگر وجود برخی ارزش‌های اخلاقی ایجاب می‌کند که تولیدکننده یا سرمایه‌گذار مسلمان افزون بر انگیزه کسب سود انگیزه‌ها و افق‌های برتر و عالی‌تری را نیز برای خود ترسیم کند. توجه به این افق‌ها، سرمایه‌گذار را در چارچوب حداکثرکردن سود منحصر و گرفتار نخواهد کرد. با توجه به آثار ناشی از آموزه‌های اخلاقی

پیش‌گفته و دیگر آموزه‌های اخلاقی - اسلامی می‌توان گفت مهم‌ترین هدف‌های تولیدی از نظر اسلام عبارت هستند از:

- تأمین نیازهای لازم جامعه: تولید کالاها و خدمات ضروری که در کتاب‌های فقهی از آن به‌عنوان «واجبات نظامیه» یاد می‌شود از اهم امور در جامعه اسلامی بر شمرده می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت ارزش اخلاقی اعتدال ایجاب می‌کند که نیازهای ضروری جامعه برطرف شود. با برطرف شدن نیازهای اولیه و ضروری جامعه بستر لازم برای رفع فقر و نیز آمادگی بیشتر جهت انجام اعمال عبادی فراهم می‌شود.

- برآوردن نیازهای خود و افراد تحت تکفل: یکی از هدف‌های والای مورد تأکید اسلام برای کار و کوشش که به تولید کالا و خدمات در نظام اقتصادی می‌انجامد، تأمین نیازهای فرد و افراد تحت تکفل وی است. اسلام کار را نوعی جهاد در راه خداوند متعال ﷻ می‌داند. کوششی که مسلمان در راه اداره زندگی خود و خانواده انجام می‌دهد از بهترین عبادت‌هاست. روزی پیامبر اکرم ﷺ با جماعتی از یاران خود از جایی عبور می‌کردند. به مردی برخوردند که مشغول کار بود. یاران آن حضرت از کوشش آن مرد تعجب کرده و خدمت پیامبر اکرم ﷺ عرض کردند: «یا رسول‌الله، چه خوب بود که این کوشش در راه خداوند متعال ﷻ بود. حضرت فرمود: اگر منظورش خدمت کردن به خود و خانواده یا پدر و مادرش باشد، کوشش وی در راه خداوند متعال ﷻ شمرده می‌شود» (حرعاملی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۹).

- تولید برای رفاه جامعه اسلامی: از آنجا که در جامعه مطلوب اسلامی مردم در آسایش به‌سر می‌برند، لازم است تولید فراتر از کالاها و خدمات ضروری باشد. در ضمن در نظر داشتن این هدف باعث افزایش کوشش عاملان اقتصادی نیز می‌شود.

- استقلال اقتصادی: خداوند متعال ﷻ دوست دارد مسلمانان و جامعه اسلامی کرامتشان حفظ شود و آنها از هر امری که باعث خدشه به شخصیت‌شان می‌شود، منزه باشند. نیاز همه‌جانبه به بیگانه برای رفع نیازهای اقتصادی با این هدف در تعارض است.

- تولید برای انفاق، وقف و دیگر کارهای نیک: این‌گونه امور مصداق‌های «فی سبیل‌الله» هستند. از نظر اسلام نوع دوستی، خیرخواهی و کمک به تأمین نیازهای قشرهای ناتوان، وظیفه کارفرمای مسلمان است. امیر مؤمنان ﷺ از دسترنج خود هزار بنده در راه خداوند متعال ﷻ آزاد فرمود (همان). در این باره امام سجاد ﷺ فرمود: «من برای کسب درآمد کشاورزی نمی‌کنم بلکه برای آنکه فقیر و نیازمند از ثمره آن بهره‌مند شود» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۱۰۰، ص ۶۷). توجه به این هدف‌ها نیز به افزایش کوشش عاملان اقتصادی و در نتیجه افزایش تولید و انسانی‌تر شدن رفتارهای آنان خواهد شد.

۲. رعایت اتقان: یکی از ارزش‌های اخلاقی که بر آن فراوان تأکید شده، استواری و استحکام و توجه به کیفیت کار است. رسول اکرم ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما، کاری انجام دهد، باید آن را متقن انجام دهد» (همان). تقید به این ارزش سبب می‌شود سرمایه‌گذاران بکوشند امکاناتی را که در اختیار دارند به بهترین صورت به کار گیرند. به بیان اقتصادی این امر می‌تواند به بهبود و افزایش درجه کارایی انجامد.

۳. زهد: براساس آموزه‌های دینی معنای زهد و اعراض از دنیا انزوای از جامعه و کم‌کار کردن نیست. زهد عبارت است از مصرف کم برای بازدهی فراوان (مطهری، ۱۳۷۶). پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه السلام و بقیه امامان معصوم علیهم السلام زاهدترین مردم بودند و در عین حال بیشترین فعالیت را انجام می‌دادند. حاکمیت روحیه زهد مصارف غیرضروری را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود فرد مسلمان افزون بر کمک به نیازمندان، پس‌انداز و به‌دنبال آن سرمایه‌گذاری و تولید را افزایش دهد. توصیه به زهد جامعه اسلامی را از گرفتار شدن به ورطه مصرف‌گرایی افراطی و مسابقه در ربودن فرصت‌ها و امکانات از یکدیگر که یکی از گرفتاری‌های جوامع کنونی نجات می‌دهد. تجربه تاریخی نشان داده هرگاه جامعه اسلامی وضعیتی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ پیش آمد. فتوحاتی که در زمان خلفا صورت گرفت ثروت فراوانی را به مرکز خلافت سرازیر کرد. حاکمیت روحیه مسابقه برای رسیدن به این ثروت‌ها قسمت عمده جامعه اسلامی را به فساد کشاند و حتی برخی اصحاب را که سوابق درخشانی داشتند نیز به‌گونه‌ای متحول کرد که در برابر امیر مؤمنان علیه السلام صف‌آرایی کردند. این صفت اخلاقی درست نقطه مقابل فرهنگ سودپرستی است که اقتصاد سرمایه‌داری مروج آن می‌باشد. در نتیجه گسترش فرهنگ زهد در آحاد جامعه، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی تا حد فراوانی نصیب جامعه شده و توزیع درآمد عادلانه‌تر می‌شود.

۴. اقتصاد: رعایت این ارزش اخلاقی، سبب می‌شود از طرفی سرمایه‌ها و نیروی کار معطل نماند و از سوی دیگر در به‌کارگیری آنها زیاده‌روی نشود؛ به‌طور مثال، میانه‌روی در تولید و به‌کارگیری نیروی کار از یک‌طرف جلوی اسراف منابع محدود و فرسوده‌شدن نیروی کار در اثر کار بیش از حد را می‌گیرد و از دیگر سوی مانع راکد ماندن منابع و سرمایه‌های مالی و فیزیکی و بیکاری نیروی کار می‌شود. ممکن است گفته شود به‌علت

توصیه‌های مؤکد درباره کار کردن، در این باره محدودیتی وجود ندارد اما این درست نیست؛ زیرا گرچه کار فراوان برای خدمت به جامعه اسلامی امری مستحسن است اما مقید به آسیب‌نرساندن به عبادت انسان و رسیدگی به امور ضروری خانواده تحت تکفل است. روایت‌هایی که فرموده اوقات خود را بین کار و عبادت و لذت‌های حلال تقسیم کنید (نهج البلاغه، ص ۵۴۵) به خوبی مؤید این مطلب است. به این ترتیب اعتدال درباره عرضه نیروی کار معنای خاص خود را دارد. اعتدال در مصرف جلوی اسراف در مصرف و فقر ناشی از آن را می‌گیرد و مانع بروز مشکلات ناشی از برآورده‌نشدن نیازهای متعارف می‌شود. زیاده‌روی در انفاق انسان را از تأمین مخارج ضروری افراد تحت تکفلش باز می‌دارد و کوتاهی در انفاق افزون بر ریشه‌دار کردن رذیلت‌های اخلاقی مانند حرص و بخل، سبب برآورده‌نشدن نیازهای طبقه‌های پایین و تعمیق شکاف طبقاتی و افزایش ضریب جینی می‌شود؛ همچنین اعتدال و اقتصاد زمینه‌ساز استفاده از امکانات به صورت مداوم و پایدار است.

۵. پرهیز از کنز: با توجه به دستور خداوند متعال عَلَيْكُمْ در قرآن کریم مبنی بر تحریم کنز و نیز آثار مترتب بر آن و با توجه به وظیفه اخلاقی انجام واجبات و ترک محرمات، فرد مسلمان سرمایه خود را راکد نگذاشته بلکه براساس صریح آیه شریفه (توبه: ۳۳) قسمتی را انفاق و بقیه را سرمایه‌گذاری می‌کند.

۶. باور به برکت: این امر اثر فراوانی بر رفتار تولیدکننده دارد. رفتار تولیدکننده‌ای که براساس محاسبه‌های صرف مادی عمل می‌کند، همان است که در اقتصاد خرد متعارف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در حالی که تولیدکننده‌ای که به برکت باور دارد فقط زیادی درآمد و سود را در نظر نمی‌گیرد. وی بر این باور است که اگر انحصار مصنوعی پدید آورد یا با دیگر تولیدکنندگان علیه خریدار یا فروشنده تبانی کند و جانب انصاف را رعایت نکند، ممکن است سود فراوانی نصیبش شود اما این سود با برکت نخواهد بود. چنین سودی سرچشمه کارهای نیک نخواهد شد و در جهت مصالح واقعی وی به‌کار نخواهد رفت.

۷. باور به روزی مقدر: یکی از ثمرهای توکل بر خداوند متعال عَلَيْكُمْ که پیش‌تر، از آن با عنوان میوه توحید افعالی یاد شد، این است که فرد مسلمان از یک‌طرف کار و سرمایه‌گذاری و تولید را وظیفه خود می‌داند و از طرف دیگر بر این باور است که روزی وی از جانب خداوند متعال عَلَيْكُمْ تقدیر شده است. براساس نصوص بسیار اگر انسان فعالیت

نکند خود را از رزق مقدر محروم می‌کند. اگر فعالیت‌هایش خلاف ضوابط الهی باشد خود را از رزق حلال محروم کرده و به جای آن رزق حرام نصیب وی خواهد شد. فقط در صورتی رزق حلال مقدر به وی خواهد رسید که فعالیت مشروع کند. پیامد این باور در رفتار سرمایه‌گذار مسلمان روشن است. وی مقید است فعالیت‌های تولیدی برای دیگران آثار خارجی منفی نداشته باشد. در روند فعالیت‌های تولیدی به دنبال استفاده از رانت نخواهد بود. درصدد تبانی با دیگران و سوءاستفاده از مایملک و فعالیت‌های اقتصادی خود و احتکار بر نخواهد آمد. به‌علت باور به رزاقیت خداوند متعال جل جلاله اطلاعات را به انحصار خود در نمی‌آورد.

تحلیل

با توجه به آنچه عنوان شد می‌توان گفت عمل به ارزش‌های اخلاقی و اسلامی موجبات افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تولید را فراهم می‌آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت نخستین اثر توجه به این آموزه‌ها تغییر رفتار و انگیزه فعالان اقتصادی است. چنانکه رسیدن به حداکثر سود در تنافی با رعایت ارزش‌های یادشده نباشد، یک تولیدکننده مسلمان نیز مانند دیگران به دنبال کسب سود است اما در صورتی که تضادی میان این دو وجود داشته باشد، رعایت هدف‌ها و ارزش‌ها مقدم خواهد بود. نتیجه آنکه رفع نیاز، استقلال، حفظ کرامت، انجام کارهای نیک و دیگر ارزش‌ها باید در عرض کسب سود، رفتارهای تولیدکننده را سامان بخشد. تولیدکننده به خود اجازه نخواهد داد به هر قیمت حتی ضرر دیگران تولید و کسب سود کند؛ همچنین وی هرگز دست به تولید کالاهایی که با تعالی اخلاقی فرد و جامعه در تنافی است یا سبب تنزل شأن انسان می‌شود، نخواهد زد؛ هرچند برای وی سود فراوانی داشته باشد. توجه به ارزش‌های اخلاقی به مثابه یک عامل درونی بسیار قوی منافع همگان را تأمین خواهد کرد و ضررها و عوارض منفی را به حداقل خواهد رساند. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که در اسلام ارزش‌ها و دستورهای اخلاقی و معنوی چنانکه اهمیت بیشتری از عوامل صرف اقتصادی در تنظیم رفتار بنگاه نداشته باشد، نقش کمتری از آن نخواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جای تردید وجود ندارد که توجه به اخلاقیات نوع رفتار انسان را به کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ البته چگونگی نگرش به اخلاقیات ریشه در نوع جهان‌بینی افراد دارد. اسلام دین جامع و کامل و برای تمام اعصار و قرون است و برای تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی از جمله رفتارهای اقتصادی عوامل اقتصادی برنامه داده است. در مطالعه حاضر به بررسی آثار ارزش‌های اخلاقی - اسلامی بر روی رفتار مصرفی، تولیدی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری پرداخته شد. تبیین آموزه‌های اخلاقی و آثار آن بر رفتار تخصیصی در اقتصاد، نشان داد که آموزه‌های اخلاقی که اسلام در زمینه‌های اقتصادی بیان کرده می‌تواند زمینه‌ساز نظام اقتصادی ویژه‌ای باشد؛ چرا که قسمت عمده این آموزه‌های اخلاقی منحصر به فرد بوده و با ارزش‌های نظام‌های اقتصادی دیگر تفاوت‌های اساسی دارد. نیز بیان شد که هدف نظام اقتصادی اسلام آن است که آحاد جامعه اسلامی در پرتو عمل به آموزه‌های اخلاقی افزون بر آنکه در راه رشد و شکوفایی اقتصادی گام بر می‌دارند، به سمت حاکمیت عدالت و استقلال اقتصادی و نیز تعالی و کمال انسانی حرکت کنند. بر این اساس اگر رشد اقتصادی با ارزش‌های معنوی و عدالت در تعارض قرار گیرد، مطلوب نظام اقتصادی اسلام نخواهد بود. رشد و رفاه ناشی از آن باید با معنویت و عدالت در توازن باشد. بنابراین در جامعه مطلوب اسلامی این هدف‌ها باید با یکدیگر تأمین شوند. تمام دستورهایی که در زمینه‌های گوناگون به ما رسیده در جهت تحقق همین هدف‌هاست و رفتارهای منبعث از این آموزه‌ها در حوزه مصرف، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و تولید نیز در این جهت است. اگر مسلمانان به این آموزه‌ها عمل کنند، هدف‌های یادشده به صورت احسن محقق خواهد شد. تخلق آحاد جامعه به‌طور عام و فعالان اقتصادی به‌طور خاص به اخلاق اسلامی یا به عبارت دیگر عمل در پرتو آموزه‌های اخلاقی باعث می‌شود نظام اقتصادی در کنار حرکت در راه رشد و شکوفایی اقتصادی به سمت حاکمیت عدالت و استقلال اقتصادی و نیز تعالی و کمال انسانی حرکت کنند.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌منظور؛ لسان‌العرب؛ ج ۴، قم: نشر آدب حوزه، ۱۴۰۵ق.
۲. امید، مسعود؛ «باید و نباید و حسن و قبح»؛ خردنامه صدرا، ش ۱۲، ۱۳۷۷.
۳. برانسون، ویلیام؛ تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.

۴. توتونچیان، ایرج؛ **تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق**؛ تهران: مرکز اطلاعات فنی ایران، ۱۳۶۳.
۵. حسینی، سیدرضا؛ «نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره انسان اقتصادی»؛ فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۱، ۱۳۷۸.
۶. حکیمی، محمدرضا؛ **الحیاء**؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۷. دادگر، یدالله؛ **نگرشی بر اقتصاد اسلامی: معرفت‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها**؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۸. راغب‌اصفهان‌ی، حسین‌بن‌محمد؛ **مفردات الفاظ القرآن**؛ دمشق و بیروت: دارالقلم و الدار الشامیه، ۱۳۷۹.
۹. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر؛ **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء**؛ قم: بوستان کتاب قم، [بی تا].
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری؛ چ ۴، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**؛ چ ۲، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۲. محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ **میزان الحکمه**؛ ج ۳، چ ۱، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۶ق.
۱۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ **فلسفه اخلاق**؛ تهران: انتشارات بین‌الملل، ۱۳۸۸.
۱۴. مطهری، مرتضی؛ **سیری در نهج البلاغه**؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۱۵. _____؛ **فلسفه اخلاق**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۱۶. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ **اخلاق در قرآن**؛ قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۱۷. _____؛ **تفسیر نمونه**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۸. میرمعزی، سیدحسین؛ **اصلاح الگوی مصرف (مجموعه مقالات)**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ **معراج السعاده**؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۰. نراقی، محمد مهدی؛ **جامع السعادات**؛ چ ۳، نجف: انتشارات نجف، ۱۳۸۳ق.
۲۱. نوری، حسین بن محمدتقی؛ **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**؛ بیروت: موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۲. وبر، ماکس؛ **اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری**؛ تهران: سمت، ۱۳۷۱.